

## تأثیر سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی بر تحول ادبیات داستانی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش

الهام معصومی نژاد<sup>۱</sup>/محمد توحیدفام<sup>۲</sup>

مریم اسماعیلی فرد<sup>۳</sup>/علی اشرف نظری<sup>۴</sup>

### چکیده

با وجود اهمیت سیاست‌های فرهنگی در شکل‌دهی به جریان ادبیات داستانی ایران در دوران حکومت پهلوی، این موضوع کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. اغلب پژوهش‌های پیشین تمرکز خود را بر تحلیل متون ادبی قرار داده‌اند و به نقش سیاست‌های فرهنگی در تغییرات تولید و محتوای آثار ادبی توجه کافی نکرده‌اند. این پژوهش با هدف، بررسی تأثیر سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی (اول و دوم) بر جریان ادبیات داستانی ایران و تحلیل تغییرات در تولید و محتوای آثار ادبی تحت تأثیر این سیاست‌ها می‌پردازد. همچنین، مقایسه‌ای دقیق میان سیاست‌های فرهنگی رضاشاه و محمدرضا پهلوی و نحوه تأثیر آنها بر ادبیات داستانی انجام شده است. ازجمله جنبه‌های نوآورانه این پژوهش، تمرکز بر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به جای تحلیل صرف متون ادبی است. تحلیل این پژوهش در چارچوب نظری سیاست‌گذاری فرهنگی انجام شده است. سؤال پژوهش عبارت است از اینکه سیاست‌های فرهنگی دوران رضاشاه و محمدرضا پهلوی چگونه بر جریان ادبیات داستانی ایران تأثیر گذاشت و چه تغییراتی در تولید و محتوای این آثار ایجاد کرد. فرضیه این پژوهش بر این اساس است که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دوران حکومت پهلوی‌ها، با تمرکز بر ناسیونالیسم،

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

emasominezhad64@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Tohidfam@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

maryam.esmaeilifard@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. ashraf@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ نوع مقاله: پژوهشی

مدرن‌سازی و کنترل نهادهای فرهنگی، منجر به شکل‌گیری جریان‌های جدید ادبی و در عین حال محدودسازی نقد اجتماعی و سیاسی در ادبیات داستانی ایران شد. روش مقاله تاریخی-تحلیلی می‌باشد. در این روش، از منابع آرشیوی، اسناد تاریخی و منابع ثانویه معتبر مانند کتاب‌ها و مقالات علمی به‌عنوان داده‌های اصلی استفاده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست‌های فرهنگی، دولت رضاشاه پهلوی، تحول ادبیات داستانی، ادبیات داستانی ایران، محمدرضا پهلوی.

### **The Impact of the Pahlavi Government's Cultural Policies on the Evolution of Fiction Literature, 1925-1979**

Elham Masoumi Nejad<sup>۱</sup>/ Mohammad Tohidfam<sup>۲</sup>/ Maryam Esmailifard<sup>۳</sup>/

Ali Ashraf Nazari<sup>۴</sup>

#### **Abstract**

*Despite the importance of cultural policies in shaping the flow of Iranian fiction during the Pahlavi era, this issue has been less analyzed. Most previous studies have focused on the analysis of literary texts and have not paid sufficient attention to the role of cultural policies in changes in the production and content of literary works. This research aims to examine the impact of the cultural policies of the Pahlavi government (first and second) on the flow of Iranian fiction and analyze the changes in the production and content of literary works under the influence of these policies. Also, a detailed comparison has been made between the cultural policies of Reza Shah and Mohammad Reza Pahlavi and their impact on fiction. One of the innovative aspects of this research is its focus on cultural policy rather than the mere analysis of literary texts.*

---

1 . PhD Student in Public Policy, Department of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. emasominezhad64@gmail.com

2 . Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Tohidfam@iau.ac.ir

3 . Assistant Professor, Department of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. maryam.esmaeilifard@srbiau.ac.ir

4 . Assistant Professor, Department of Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. asshraf@ut.ac.ir

*The analysis of this research is conducted within the theoretical framework of cultural policy. The analysis of this research is conducted within the theoretical framework of cultural policy-making. The research question is how the cultural policies of the era of Reza Shah and Mohammad Reza Pahlavi affected the flow of Iranian fiction and what changes they created in the production and content of these works. The hypothesis of this research is based on the fact that the cultural policies of the Pahlavi era, focusing on nationalism, modernization, and control of cultural institutions, led to the formation of new literary movements while limiting social and political criticism in Iranian fiction. The method of the article is historical-analytical. In this method, archival sources, historical documents, and reliable secondary sources such as books and scientific articles have been used as primary data.*

**Keywords:** Cultural policies; Reza Shah Pahlavi's government; Development of fiction; Iranian fiction, Mohammad Reza Pahlavi.

#### مقدمه

ادبیات داستانی ایران با پیشینه‌ای کهن، همواره بستری برای بازتاب مسائل اجتماعی و سیاسی و گاه ابزاری برای نقد قدرت بوده است. در دوران قاجار و پهلوی، این ادبیات در واکنش به تحولات سیاسی و اجتماعی، در شکل‌گیری نگرش عمومی نسبت به ساختار قدرت نقشی مؤثر ایفا کرده است. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دوران رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰) و محمدرضا شاه پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۷) بر ادبیات داستانی ایران می‌پردازد؛ دورانی که تحت تأثیر عواملی چون ناسیونالیسم، مدرن‌سازی و کنترل سیاسی، شاهد تغییراتی قابل‌توجه در تولید و محتوای آثار ادبی بود.

در دوره رضاشاه، اگرچه فضای فرهنگی با محدودیت‌های شدید همراه بود، برخی نویسندگان مانند هدایت، جمال‌زاده و علوی با بهره‌گیری از زبان نمادین، به بازتاب مسائل اجتماعی پرداختند. دوره محمدرضا شاه نیز در آغاز با گشایش نسبی همراه بود، اما پس از

تأثیر سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی بر تحول ادبیات داستانی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش..... ۲۷۵

کودتای ۲۸ مرداد، سانسور و فشار سیاسی تشدید شد. با وجود این، دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش شاهد رشد کیفی ادبیات داستانی و شکل‌گیری نهادهایی چون کانون نویسندگان بود.

اهمیت این پژوهش از آن روست که برخلاف مطالعاتی که بر تحلیل متون ادبی تمرکز دارند، بر نقش سیاست‌گذاری فرهنگی در شکل‌گیری ادبیات داستانی تأکید دارد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش آن است که سیاست‌های فرهنگی پهلوی اول و دوم چگونه بر جریان ادبیات داستانی اثر گذاشتند و چه تحولاتی را در تولید و محتوای آن رقم زدند؟ فرضیه پژوهش نیز آن است که این سیاست‌ها با تکیه بر ناسیونالیسم، مدرن‌سازی و نظارت ایدئولوژیک، موجب ظهور جریان‌های نو و تحدید نقد اجتماعی در ادبیات شدند.

#### معرفی مختصر واژگان کلیدی

**سیاست فرهنگی:** سیاست فرهنگی، نامی است که میتوان به همه تلاش‌های آگاهانه، سازمان‌یافته و مبتنی بر اصول مشخص که به قصد تأثیرگذاری بر فرهنگ صورت می‌گیرد اطلاق کرد (آزادارمکی، منوری، ۱۳۹۱: ۸).

**دولت پهلوی:** دولت پهلوی، شامل دو دوره‌ی حکومت رضا شاه و محمدرضا شاه، در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷، می‌شود.

**تحول ادبیات داستانی:** تحول ادبیات داستانی نیز اشاره به تغییرات ساختاری، مضمونی و کارکردی در آثار داستانی دارد که در واکنش به شرایط سیاسی-اجتماعی و سیاست‌های فرهنگی دولت رخ می‌دهد.

**ادبیات داستانی:** ادبیات داستانی «ادبیات به علوم ادبی و یا آثار ادبی یک جامعه اطلاق می‌شود. در فرهنگ‌ها، ادب به معنی دانش، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش، آزر و

در ترکیبات اصطلاحی چون علم ادب به معنی علمی که انسان با داشتن قواعد آنها می‌تواند درست شعر بگوید و خوب چیز بنویسد آمده است» (ستوده؛ ۱۳۷۸: ۳۶).

### مبانی نظری

مبانی نظری هر پژوهش به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل و تبیین پدیده‌های مورد مطالعه، نقشی کلیدی در تعیین روش‌شناسی و جهت‌گیری تحقیق دارد. در این پژوهش، برای تحلیل تأثیر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دوران حکومت پهلوی بر جریان ادبیات داستانی ایران، از نظریه سیاست‌گذاری فرهنگی بهره گرفته شده است. این نظریه به ما کمک می‌کند تا علاوه بر بررسی ابعاد فرهنگی، به تحلیل ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی و تولیدات ادبی بپردازیم. در ادامه به بررسی دقیق‌تر این نظریه خواهیم پرداخت.

سیاست‌گذاری فرهنگی، مجموعه اقدامات هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده‌ای است که دولت‌ها برای شکل‌دهی، هدایت و توسعه ابعاد مختلف فرهنگی جامعه انجام می‌دهند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل قوانین، مقررات، سرمایه‌گذاری‌ها، حمایت‌ها و برنامه‌های مختلفی باشند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم، هنر، ادبیات، موسیقی و سایر مظاهر فرهنگی جامعه تأثیر می‌گذارند (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸). به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری فرهنگی بر نقش دولت‌ها در تعریف و تعیین چارچوب‌های اساسی فرهنگی تمرکز دارد و تلاش می‌کند فرهنگ را از منظر قانونی، اقتصادی و اجتماعی هدایت کند.

سیاست‌گذاری فرهنگی به‌طور خاص به دنبال ایجاد و توسعه استراتژی‌هایی است که به بهبود و تقویت شاخص‌های فرهنگی یک کشور کمک کند. این سیاست‌ها نقش کلیدی در تأثیرگذاری بر حوزه‌های گسترده‌تری از شاخص‌های اجتماعی دارند؛ از جمله شاخص‌های جمعیتی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، رفاه اجتماعی، آموزش، بهداشت و حتی آسیب‌های

اجتماعی. به‌ویژه در جوامعی که با چالش‌های متعدد روبه‌رو هستند، سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند نقشی حیاتی در جهت‌دهی به توسعه پایدار و متوازن فرهنگی ایفا کند.

در تعریفی دیگر، سیاست‌گذاری فرهنگی، فرایند تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌هایی است که با هدف دستیابی به اهدافی چون توسعه، همکاری، مشارکت و حفظ میراث فرهنگی جامعه طراحی می‌شود. این رویکرد که نخستین بار توسط یونسکو مطرح شد، بر اهمیت هویت فرهنگی و تقویت آن تأکید دارد (حسین‌لی، ۱۳۷۹: ۲).

در خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی دولت‌ها در عرصه عمل، دولت‌ها را می‌توان در دو عرصه تحلیل کرد:

۱. عرصه کلی: در این عرصه، دولت‌ها به تعیین مبانی، اصول و اهداف کلان فرهنگی می‌پردازند.

۲. عرصه بخشی: در این عرصه، دولت‌ها خط‌مشی‌ها و برنامه‌های خاصی را برای بخش‌های مشخصی از فرهنگ، مانند میراث فرهنگی، سینما، موسیقی، کتاب، هنرهای تجسمی و سایر حوزه‌ها تنظیم می‌کنند (وحید، ۱۳۸۶: ۲۹۸). در واقع، سیاست‌گذاری فرهنگی نه تنها به دنبال شکل‌دهی به فرهنگ است، بلکه ابزاری قدرتمند برای حفظ و تقویت قدرت سیاسی نیز محسوب می‌شود. دولت‌ها با استفاده از ابزارهای فرهنگی، به دنبال مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی، کنترل افکار عمومی و شکل‌دهی به هویت ملی هستند.

در این پژوهش، استفاده از نظریه سیاست‌گذاری فرهنگی به ما کمک می‌کند تا سیاست‌های فرهنگی دوران پهلوی (اول و دوم) را تحلیل کنیم و تأثیر آنها بر جریان‌های ادبیات داستانی را بهتر درک کنیم. از نظریه سیاست‌گذاری فرهنگی می‌توان برای نشان‌دادن این موضوع استفاده کرد که چگونه دولت پهلوی، از سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان ابزاری

برای هدایت تولیدات ادبی و کنترل جریان‌های فکری بهره برده است. این نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی نه تنها یک ابزار توسعه‌ای، بلکه می‌تواند یک ابزار سیاسی نیز باشد.

### روش پژوهش

این پژوهش از رویکرد تاریخی-تحلیلی بهره می‌برد که مناسب‌ترین روش برای بررسی سیاست‌های فرهنگی در دوران رضا شاه و محمدرضا شاه پهلوی و تحلیل تأثیرات آنها بر جریان ادبیات داستانی است. با توجه به ماهیت این پژوهش و هدف تحلیل روابط میان سیاست‌های فرهنگی و تولیدات ادبی، روش تاریخی-تحلیلی این امکان را فراهم می‌آورد تا روندها و الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی در این دو دوره به دقت بررسی شوند. در این رویکرد، تمرکز اصلی بر تحلیل اسناد منتشرشده و مقالات پژوهشی است. نتایج این تحلیل می‌تواند به فهم بهتر روابط میان سیاست‌های فرهنگی و ادبیات داستانی در دوران پهلوی کمک کند و به پژوهشگران و تحلیل‌گران حوزه تاریخ ادبیات معاصر ایران ابزاری مهم برای درک عمیق‌تر و تحلیل دقیق‌تر این دوره تاریخی ارائه دهد.

### پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در این مطالعه به بررسی آثار مختلف مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی ایران در دوران پهلوی می‌پردازد. این بخش نشان‌دهنده روند تحقیقات پیشین است که بیشتر بر تحلیل محتوای آثار ادبی متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که در بسیاری از موارد، سازوکارهای تأثیرگذاری سیاست‌های فرهنگی بر تولید ادبیات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق به دنبال پر کردن این خلأ پژوهشی است و با رویکردی تحلیلی، تلاش دارد تحولات سیاست‌گذاری فرهنگی را در هر دو دوره بررسی کند.

۱. کتاب «ادبیات داستانی در ایران زمان پهلوی اول از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ با تأکید بر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» نوشته حمیرا رنجبر عمرانی و کامران پارسی‌نژاد (۱۳۹۷) به بررسی سیر تحول نثر ادبی و دگرذیسی ادبیات داستانی در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران رضاشاه پرداخته است. این کتاب به‌ویژه بر رمان‌های اجتماعی و تاریخی آن دوره تمرکز دارد و تأثیرات تحولات سیاسی و اجتماعی بر ادبیات داستانی را بررسی می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری ادبیات داستانی معاصر ایران داشته است.

۲. محمد راغب نیز در کتاب «مدخل داستان معاصر فارسی» (۱۳۹۹)، تاریخچه‌ای از ادبیات داستانی معاصر ایران ارائه می‌دهد. این کتاب ضمن بررسی روندهای مهم ادبی، به تحلیل تأثیرات سیاسی و اجتماعی بر تولید ادبیات داستانی پرداخته و تحولات عمده در این عرصه را شرح می‌دهد. این اثر به‌ویژه در تحلیل نقش ادبیات در تحولات سیاسی و اجتماعی مؤثر بوده است.

۳. در کتاب «داستان سیاسی، داستان انقلاب اسلامی» (۱۳۹۵) محمد حنیف نیز به تحلیل جریان‌های سیاسی در ادبیات داستانی ایران پیش از انقلاب و پس از آن می‌پردازد. این کتاب به سؤالاتی نظیر چیستی داستان سیاسی، تأثیرات تحولات سیاسی معاصر بر ادبیات ایران و تحلیل گونه‌های مختلف داستان‌های سیاسی پاسخ می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ادبیات داستانی در دوره‌های مختلف به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، در ارتباط تنگاتنگ با تحولات سیاسی قرار داشته است.

۴. پژوهش «تأثیر گفتمان غرب‌زدگی بر ادبیات داستانی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در ایران» نوشته سید صدرالدین موسوی، مسعود درودی و نفیسه

اسلانی کتولی، به بررسی تأثیرات گفتمان غرب‌زدگی بر آثار ادبی ایران در دهه‌های چهل و پنجاه پرداخته است. در این پژوهش، رمان‌های برجسته‌ای چون «شازده احتجاب» و «سووشون» تحلیل شده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان غرب‌زدگی به‌ویژه در آثار نویسندگان برجسته‌ای چون هوشنگ گلشیری و سیمین دانشور تأثیرات گسترده‌ای بر محتوای رمان‌ها گذاشته است.

۵. مقاله «رضاشاه و مدرنیزاسیون ایران، ضدیت با مظاهر فرهنگ اسلامی-ایرانی» نوشته فؤاد پورآرین، محمدحسن رازنهران و علی‌اصغر رجبی، به تحلیل سیاست‌های رضاشاه در مدرنیزاسیون ایران پرداخته است. این مقاله نقش رضاشاه در تغییرات اجتماعی و فرهنگی ایران را در دوره‌های مختلف به‌ویژه در حوزه ادبیات برجسته می‌کند.

۶. مقاله «شهربانی رضا شاهی (۱۳۰۴-۱۳۲۰)» به روایت ادبیات داستانی فارسی نوشته دروئاسوآپا و داریوش رحمانیان، به بررسی نقش شهربانی به‌عنوان سوژه در ادبیات داستانی دوره رضا شاه پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که در این دوره، نویسندگان بیشتر بر رفتار با زندانیان و شناسایی مجرمان تمرکز داشته‌اند، اما در دوره‌های بعدی توجه به موضوعاتی چون سانسور و پیگیری جرایم در آثار برجسته‌تر بوده است.

با وجود تحقیقات گسترده‌ای که در زمینه ادبیات داستانی ایران در دوران پهلوی انجام شده است، تحلیل‌های تطبیقی و جامع در مورد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و تأثیر آنها بر تولید ادبیات داستانی در دوران رضا شاه و محمدرضا پهلوی کمتر صورت گرفته است. بیشتر پژوهش‌ها بر محتوای آثار متمرکز بوده‌اند و کمتر به بررسی سازوکارهای تأثیرگذاری سیاست‌های فرهنگی حکومت بر تولید ادبیات داستانی پرداخته‌اند. از این‌رو، این پژوهش با

هدف پر کردن این خلأ پژوهشی تأثیر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی بر ادبیات داستانی در هر دو دوره پهلوی، را مورد توجه قرار می‌دهد.

### تجزیه و تحلیل بحث

حسن میرعابدینی، تاریخ داستان‌نویسی ایران را به پنج دوره تقسیم کرده است که هر یک با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی آن دوران نام‌گذاری شده است: از ۱۲۵۳ تا ۱۳۲۰ (در جست‌وجوی هویت و امنیت)، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (آرمان‌خواهی و تبلیغ)، از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ (شکست و گریز)، از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ (بیداری و به‌خودآیی) و از ۱۳۵۷ به بعد (سال‌های شور و التهاب) (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۰). در این پژوهش، ما به بررسی جریان ادبیات داستانی بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ می‌پردازیم.

**دوران رضاشاه و جریان ادبیات داستانی (۱۳۰۴-۱۳۲۰)** (در جست‌وجوی هویت و امنیت) تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در سال‌های ابتدایی قرن سیزدهم، رشد و آگاهی طبقه متوسط را در مواجهه با تغییرات روز جامعه به همراه داشت. ورود مظاهر تمدن غربی و اعزام دانشجویان برای یادگیری علوم و فنون، که از زمان عباس میرزا آغاز شده بود، سال ۱۳۰۰ ش را به نقطه عطفی در ادبیات نوین ایران تبدیل کرد. این تحولات سیاسی - اجتماعی، درگیر شدن دولت در جنگ جهانی اول و تبعات آن از جمله گسترش فقر، قحطی، بیماری‌های واگیر، و کمبود دارو و غذا همگی به بروز یأس و ناامیدی در مردم و روشنفکران منجر شد. نویسندگان در این شرایط، خواسته یا ناخواسته، مجبور به تلاش برای یافتن هویت گم‌شده مردم شدند؛ مردمی که به مشروطه امید داشتند و حالا با شکست آن، دچار یأس و ناامیدی شده بودند. به همین دلیل، سال ۱۳۰۰ را سرآغاز رمان اجتماعی (در این گونه از رمان‌ها حوادث اجتماعی با تکیه بر شخصیت‌پردازی پیش برده می‌شود) و با اندکی

تأخیر، رمان تاریخی (رمانی که نقطه ثقل آن رویدادها و حوادث تاریخی هستند) در ایران می‌دانند.

مضامین بسیاری از آثار اجتماعی آن دوران، بیان فقر و فحشا در جامعه بود و نویسندگان در آثار خود به این موضوعات توجه می‌کردند. در برخی داستان‌های اجتماعیِ جدی‌تر، نویسندگانی چون هدایت و جمال‌زاده مضامین سرخوردگی، گم‌گشتگی مردم، جابه‌جایی قدرت، ظهور تازه به دوران‌رسیده‌ها، تجددگرایی و دنباله‌روی از غرب را به تصویر می‌کشیدند.

همچنین توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان در داستان‌نویسی این عصر نیز موجب شد تا در داستان‌های این عصر، زنان جایگاه بهتری یابند. اعزام دانشجویان به خارج از کشور و انتقال تکنولوژی غرب، به انتخاب و پذیرش سبک‌های داستان‌نویسی جدید و تقویت تمایل به نوشتن در دو اردوگاه شرق و غرب منجر شد. استقرار دیکتاتوری، گرایش به باستان‌گرایی، دوری جستن از ارزش‌های اسلامی، تجددگرایی، اصلی‌ترین مظاهر سیاست فرهنگی رضا شاه بود که از هرگونه ابزاری برای رسیدن به این اهداف استفاده می‌کرد. با وجود این، اثر سیاست‌گذاری حکومت رضا شاه بر جریان ادبیات داستانی را می‌توان در چند عنوان کلی در نظر گرفت:

#### ۱- تأکید بر ناسیونالیسم و شکل‌دهی هویت ملی در دوران رضاشاه

مفصل‌بندی گفتمان سیاست فرهنگی در دوره پهلوی بر دالّ مرکزی فرهنگ یکدست ملی مبتنی بود و دال‌هایی همچون ملی‌گرایی، عرب‌ستیزی، باستان‌گرایی، همگون‌سازی زبانی، غرب‌گرایی و تجدّد، و لباس متحدالشکل پیرامون این دال مرکزی شکل گرفت (خالق‌پناه، سنایی، ۱۳۹۸: ۶۸). سیاست‌های فرهنگی رضاشاه بر پایه تقویت ناسیونالیسم ایرانی و

بازسازی هویت ملی بنا شده بود. در این ایام باستانگرایی به یکی از اندیشه‌های مسلط حکومت برای ساخت دولت ملت مدرن ایران تبدیل شد و رضاشاه و بعدها محمدرضا شاه هر دو در جهت باستان‌گرایی با محورهایی همچون احیای تمدن باستانی و بازگشت به آن و همچنین اسلام‌زدایی از جامعه ایران، برنامه‌ها و اقدامات زیادی را اجرا کردند (حسینی، علم، ۱۴۰۳: ۳۴). رضاشاه از ادبیات به‌عنوان ابزاری برای ترویج هویت ملی استفاده کرد و این دوره شاهد بازگشت به ریشه‌های تاریخی ایران باستان و ترویج فرهنگ پیش از اسلام بود. بسیاری از نویسندگان این دوره به موضوعاتی مانند وطن‌پرستی، افتخارات ملی و تجدد پرداختند.

با آغاز دیکتاتوری رضاشاه، هرچند فضا برای نویسندگان نواندیش که از نابسامانی‌های جامعه و اوضاع ناخوشایند مردم رنج می‌بردند تنگ شده بود، اما عده‌ای دیگر از نویسندگان در راستای تبلیغات ناسیونالیستی حکومت، که به‌عنوان پشتوانه ایدئولوژیک خود برای بقا به آن دست یازیده بود، تلاش می‌کردند تا با زنده نگه‌داشتن دوران پرافتخار گذشته (دوران حکومت هخامنشیان) حس ناسیونالیستی ایرانیان را زنده کنند. رمان‌های «داستان باستان یا سرگذشت کوروش» نوشته میرزا حسن خان بدیع و «عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر» اثر شیخ موسی نثری همدانی، رمان «شهربانو» (۱۳۰۵)، اثر علی‌اصغر رحیم‌زاده صفوی که سال‌های پایانی سلسله ساسانی و درگیری با اعراب را روایت می‌کند و همچنین رمان «مظالم ترکان خاتون» (۱۳۰۶) از حیدرعلی کمالی و «دلیران تنگستانی» (۱۳۱۰)، از محمدحسین رکن‌زاده آدمیت نیز در چنین فضایی نوشته شدند. به این ترتیب، رمان تاریخی به خدمت نظام درآمد تا نظامی‌گری حکومت را در قالب ناسیونالیسم به مردم بقبولاند. این رمان‌ها بیانگر معدود صداهایی هستند که در جامعه خفقان‌رضا شاهی اجازه بروز پیدا می‌کنند و معمولاً بیانگر گفتمان مقبول طبقه حاکم هستند. گفتمانی که مرکز پرورش افکار

آن را تبلیغ و در راستای ترویج ملی‌گرایی و یکسان‌دانستن خاندان پهلوی با شاهان قدرتمند تاریخ ایران حرکت می‌کند (راغب، ۱۳۹۹: ۶۱).

ناسیونالیسم به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در ادبیات داستانی، با تکیه بر هویت ملی و تاریخ باستانی ایران، سعی در تقویت حس ملی‌گرایی و هویت ایرانی در جامعه داشت. این مهم در کانون ایران باستان بازتاب یافت.

در اساسنامه کانون ایران باستان، بند پنجم و هفتم به این مهم اشاره شده است: بند پنجم: «پیوند رشته‌های ادبی و علمی بین ایران و انجمن‌های ادبی و علمی روزنامه‌جات و مجلات ایرانیان و فارسی‌زبانان خارج ایران.

بند هفتم «طبع و نشر کتب و رساله‌های تاریخی و ادبی و علمی و تأسیس دانشگاه و کتابخانه و تئاتر پیرامون مقاصد مؤسسه ملی» (زارعی، مختاری، ۱۳۸۸: ۳۷) (سند پیوستی شماره ۱). این مفاد نشان می‌دهد که سیاست ناسیونالیستی دولت نه تنها در سطح کلان سیاسی، بلکه در برنامه‌ریزی فرهنگی نیز حضوری سازمان‌یافته و هدفمند داشته است. تأکید بر نشر متون تاریخی، ایجاد پیوندهای فرامرزی با جوامع فارسی‌زبان، و ترویج آموزش رسمی پیرامون «ایران باستان»، به‌طور مستقیم در بازتعریف سوژه ادبی و جهت‌گیری آثار داستانی آن دوره تأثیرگذار بوده است؛ به‌ویژه در زمینه حذف یا تضعیف مضامین دینی، عرفانی یا غیرملی در ادبیات داستانی. همچنین فرهنگستان زبان فارسی در ۱۳۱۴ تشکیل شد. سیاست‌گذاران حکومت پهلوی با هدف پیراستن زبان فارسی از واژه‌های بیگانه، بسیاری از واژه‌هایی را که طی قرون متمادی در زبان فارسی تداول یافته و مردم عادی و شاعران و نویسندگان در آثار خود آنها را به کار می‌بردند کنار گذاشته و لغات جدیدی ابداع کردند. البته باید این نکته را روشن کرد که کار فرهنگستان تنها ابداع واژه‌های جدید نبود، بلکه براساس ماده نهم فرهنگستان، فرهنگستان موظف بود برای هدایت افکار جامعه در راستای تقویت روحیه باستان‌گرایی اقدامات لازم را انجام دهد (سند پیوستی شماره ۲، اساسنامه

فرهنگستان زبان ایران). در نهایت، این روند نه تنها موجب تحرک ادبیات داستانی شد، بلکه به تولید آثار فرهنگی و ادبیاتی منجر گردید که سعی در بازنمایی قدرت و عظمت تاریخی ایران و ترویج حس ناسیونالیستی در میان مردم داشت.

## ۲- تأسیس و نظارت بر نهادهای فرهنگی در دوران پهلوی اول

در عصر رضا شاه، تحت اقتدار دولت مرکزی، مؤسسات و نهادهای فرهنگی شکل گرفتند که تأثیر بسزایی در توسعه و رشد فرهنگ و ادبیات داشتند. آموزش و پرورش با شکل‌گیری مدارس نوین به سبک غربی رواج بیشتری یافت، البته ناگفته نماند که از ویژگی‌های نظام آموزشی جدید تشکیل دارالمعلمین عالی (۱۳۰۷)، تأسیس دانشسراهای عالی و مقدماتی (۱۳۱۱)، فرهنگستان زبان فارسی (۱۳۱۴)، تأسیس سازمان پرورش افکار (۱۳۱۷)، تغییر تقویم هجری (۱۳۰۴)، تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳)، تشویق و ایجاد روحیه ناسیونالیستی در کشور و تجلیل افراطی از تمدن باستانی بود (همراز، ۱۳۷۶: ۵۱). صنعت نشر توسعه یافت و در این شرایط کتاب‌های بیشتری در تهران و شهرستان‌ها منتشر شدند. همچنین، مجلات و مجامع ادبی گوناگونی فعالیت خود را آغاز کردند. در این سال‌ها نظارت بر کار مطبوعات برعهده شهربانی بود و سایه سیاست و ممیزی در این ایام منجر به رشد نشریات و مجلات غیرسیاسی و ادبی شد. هم‌زمان با این حرکت‌ها که به رشد فرهنگ و ادبیات کمک می‌کرد، رضاشاه تلاش کرد نهادهای فرهنگی را تحت کنترل دولت درآورد. تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌های ادبی تحت نظر حکومت از جمله سیاست‌های او بود. هدف این بود که ادبیات و دیگر آثار فرهنگی در راستای سیاست‌های مدرن‌سازی و ایدئولوژی دولت شکل بگیرد. در این ایام، در میان سازمان‌های فرهنگی‌ای که در دوران رضاشاه شکل گرفت، تأسیس سازمان پرورش افکار سبب شد تا داستان‌نویسی، آن هم در نوع سیاسی و با رویکرد انتقاد به وضع موجود و سیاست‌های حکومت، از رشد خود بازایستد. بر اساس بند

نخست اساسنامه سازمان پرورش افکار، هدف اصلی آن «پرورش و راهنمایی افکار عمومی» عنوان شده است؛ هدفی که نشانگر تلاش حکومت برای هدایت فرهنگی جامعه بود. در بند پنجم، ابزارهای تحقق این هدف برشمرده شده‌اند: «روزنامه‌ها، رساله‌ها، کتاب‌های کلاسیک و عام‌المنفعه، سخنرانی عمومی، نمایش، سینما، رادیو، موسیقی و سرودهای میهنی» (زارعی، مختاری، ۱۳۸۸: ۴۲). هرچند به ادبیات داستانی مستقیماً اشاره نشده، اما حضور کتاب در فهرست ابزارها حاکی از تأثیر غیرمستقیم این سیاست‌ها بر تولید و انتشار آثار ادبی است. این سازمان با کنترل محتوای فرهنگی، مسیر شکل‌گیری جریان‌های داستانی را نیز جهت‌دهی می‌کرد.

همچنین در بند دوازدهم، تأکید بر اصلاح کتاب‌های درسی به‌منظور ترویج «میهن‌دوستی و شاه‌پرستی» نشان می‌دهد که سیاست فرهنگی حکومت از مسیر آموزش رسمی نیز دنبال می‌شد (همان: ۴۳). این اصلاحات، نظام ارزشی خاصی را در ذهن نسل جدید نهادینه می‌کرد و بر نگرش نویسندگان آینده اثر می‌گذاشت. در مجموع، سیاست‌های فرهنگی رضاشاه از دو مسیر عمده بر ادبیات داستانی تأثیرگذار بودند: هدایت فضای فرهنگی از طریق رسانه‌ها و کتاب‌ها، و تربیت نسلی جدید از نویسندگان تحت تأثیر نظام آموزشی ایدئولوژیک (سند پیوستی شماره ۳).

### ۳ - تجددگرایی و غرب‌گرایی در سیاست فرهنگی رضاشاه

یکی از ویژگی‌های مهم دوران رضاشاه، تلاش برای مدرن‌سازی کشور و گسترش فرهنگ غربی در ایران بود. در این دوران، بسیاری از نویسندگان و شاعران ایرانی تحت تأثیر فضای غربی قرار گرفتند و به ترجمه آثار ادبیات غربی پرداختند. این روند در ابتدا با هدف آشنایی ایرانیان با فرهنگ و علم غربی آغاز شد، اما به مرور زمان موجب گرایش برخی

نویسندگان به استفاده از سبک‌ها و الگوهای داستانی غربی شد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که در کنار شکل‌گیری زمینه‌های رمان تاریخی و رمان اجتماعی در این سال‌ها، رمان مدرن نیز شکل گرفت. رمان مدرن فارسی با بوف کور صادق هدایت آغاز می‌شود. اگرچه تا سال‌ها نمونه دیگری را که بتوان آن را در این چارچوب گنجانند، نمی‌توان یافت (راغب، ۱۳۹۹، ۶۹).

تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، گسترش آموزش عالی و توجه به علوم جدید، تقویت نهادهای علمی و فرهنگی و همچنین تأسیس نشریات و انتشارات مختلف، همگی از عوامل مؤثر در ترویج تجدد و غرب‌گرایی در ادبیات ایرانی به شمار می‌آیند. با این حال، در این دوران نوعی تضاد و تناقض میان نوگرایی و حفظ سنت‌های ملی وجود داشت. نویسندگان بسیاری از سبک‌های مدرن نویسندگی غربی، همچون رمان‌های واقع‌گرایانه و روان‌شناختی، بهره می‌بردند، اما همچنان در تلاش بودند تا مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی را در قالب این سبک‌ها بگنجانند (مانند بوف کور).

از جمله نویسندگانی که در این دوران آثارشان در راستای تحولات سیاسی و فرهنگی کشور تأثیرگذار بود، می‌توان به صادق هدایت و بزرگ علوی اشاره کرد. این نویسندگان با استفاده از تکنیک‌های مدرن نوشتاری و پرداختن به مسائلی همچون فقر، بی‌عدالتی و چالش‌های فردی در جامعه، به نقد وضعیت موجود و شرایط اجتماعی پرداخته‌اند. با این حال، در بسیاری از آثار این دوره، گرایش به سبک‌های سنتی ایرانی نیز مشاهده می‌شود که می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای حفظ هویت ملی و فرهنگی ایران باشد.

#### ۴- تحولات ادبی و سیاسی در دوران رضاشاه

در این دوران، ادبیات داستانی ایران به طور خاص تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. در سال‌های پس از جریان مشروطه، نویسندگان ایرانی به شدت تحت تأثیر جریان‌های اجتماعی و سیاسی در داخل و خارج از کشور بودند. از این رو، بسیاری از آثار این دوره، دارای محتوای اجتماعی و سیاسی بودند.

نویسندگانی چون جهانگیر جلیلی در *من هم گریه کردم* (۱۳۱۱)، محمد مسعود در *تفریحات شب* (۱۳۱۱)، محمد حجازی در *سه گانه‌های هما* (۱۳۰۷)، *پریچهر* (۱۳۰۸)، و *زیبا* (۱۳۰۹) و احمدعلی خداداد در *روز سیاه کارگر* (۱۳۰۵)، که آن را نخستین رمان کارگری و اقلیمی ایران دانسته‌اند، با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی و سیاسی روز پرداختند. این نویسندگان با بهره‌گیری از روایت‌های واقع‌گرا، نابرابری‌های اجتماعی، سلطه ساختارهای حاکم و مشکلات طبقات فرودست را بازنمایی کرده و از رفتار نخبگان و حاکمان انتقاد کردند. توجه به زندگی مردم عادی، به‌ویژه کارگران، و تلاش برای ارائه تصویری واقعی از جامعه، محور اصلی آثار آنان بود. مضامین این رمان‌ها، از نقد سلطه‌گری گرفته تا جست‌وجوی راه‌حل برای بهبود اوضاع اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری ادبیات انتقادی دوره رضاشاه ایفا کرد. همچنین در این دوران، تعدادی از نویسندگان همچون بدیع‌الزمان فروزانفر، نصرالله فلسفی، رشید یاسمی، عباس اقبال، محمدتقی بهار و تقی‌زاده با حمایت دستگاه‌های دولتی به فعالیت ادبی پرداختند و به «اصحاب سبعة» معروف شدند. گرایش گروه سبعة معطوف به ادبیات کلاسیک بود و این گروه براساس هنجارهای حاکم بر ایران تلاش می‌کردند سنت‌ها را حفظ کنند و با جریان مدرنیسم مخالف بودند. در مقابل، گروهی از جوانان مانند صادق هدایت، بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد که قائل به ادبیات مدرن بودند و برای رشد ادبیات ایران دست به ترجمه آثار مطرح غربی زده بودند، با نام «اصحاب ربعة» در برابر «اصحاب سبعة» قد علم کردند.

در نهایت، حکومت رضا شاه با اعمال سیاست‌های خود توانست ادبیات داستانی را به سمت خاصی هدایت کند. از یک سو، حکومت با نهادهای فرهنگی جدید و اصلاحات آموزشی، زمینه‌های رشد و تحول در ادبیات را فراهم آورد، اما از سوی دیگر، با نظارت‌های شدید بر نشر آثار ادبی و تحت فشار قرار دادن نویسندگان، برخی از این جریان‌ها را محدود کرد. این محدودیت‌ها باعث شد که نویسندگان بیشتر به استفاده از نمادها و استعاره‌ها در آثار خود بپردازند تا از سرکوب‌های حکومتی در امان بمانند. با وجود این محدودیت‌ها، نویسندگان همچنان به نقد وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ادامه دادند و در آثار خود به بیان مشکلات جامعه پرداخته و در تلاش برای اصلاح وضعیت موجود بودند.

#### دوران محمدرضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

برای بررسی بهتر دوران ۳۵ ساله حکومت محمدرضا شاه پهلوی، می‌توان آن را به سه دوره تقسیم کرد که براساس تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن ایام مشخص می‌شوند: دوره اول (۱۳۲۰-۱۳۳۲): دوران آرمان‌خواهی و تبلیغ، دوره دوم (۱۳۳۲-۱۳۴۲): دوران شکست و گریز، دوره سوم (۱۳۴۲-۱۳۵۷): دوران بیداری و به‌خودآیی.

۱. تغییرات تدریجی و توسعه نهادهای فرهنگی در دوران محمدرضا شاه (۱۳۲۰-

#### ۱۳۳۲) (دوران آرمانخواهی و تبلیغ)

در دوره اول، با به قدرت رسیدن محمدرضا پهلوی (سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲)، حکومت به دنبال تثبیت خود بود و ادبیات ایران تحت تأثیر رشد اندیشه‌های چپ مسیر نوگرایی و پیشرفت را طی می‌کرد. اگرچه به دلیل ایجاد فضای باز سیاسی، روشنفکران مجال بیرون آمدن از انزوای خود را پیدا می‌کردند، اما متأسفانه در این ایام با آثار قوی و درخوری مواجه نمی‌شویم. به‌عنوان مثال، نویسندگانی همچون جمال‌زاده و هدایت که در دوران

رضاشاه به دلیل خفقان نتوانسته بودند آثار قابل توجهی خلق کنند، حال که دست به قلم شدند، نتایج درخشانی نداشتند (راغب، ۱۳۹۹: ۷۷-۷۸).

از سال ۱۳۲۰ تا دو سال بعد یعنی ۱۳۲۲ که کشور درگیر حواشی ناشی از جنگ دوم جهانی بود، به دلیل مشکلات اقتصادی و جنگ، نشر کتاب کاهش پیدا کرد. اما در سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۶، نشر آثار افزایش یافت و از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ با چاپ آثار عقیدتی-حزبی، بیشترین کتاب‌ها منتشر شدند. با این حال، از سال ۱۳۳۱ آمارها رو به افول نهادند تا در سال ۱۳۳۲ به سطح پایینی برسند (احمدی، ۱۳۳۷: ۱۷۰-۱۷۲).

در این زمان، ترجمه آثار روسی به دلیل تلاش‌های حزب توده افزایش یافت (در زمان رضاشاه، مترجمان بیشتر به کتاب‌های فرانسوی تمایل داشتند). و آثار ماکسیم گورگی بیشتر مورد توجه خوانندگان بود. ترجمه ادبیات آمریکا نیز به دلیل مخالفت‌های شاه و دولت‌های غربی با تفکر چپ و حزب توده رونق گرفت و بر نویسندگانی همچون آل احمد و گلستان اثر گذاشت. اگرچه ترجمه فراوان آثار جلوی رشد ادبیات بومی را گرفت و تا حدودی آن را کم‌رنگ کرد (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۲۰۱-۲۰۳). همچنین، پاورقی‌نویسی به دلیل مشکلات اقتصادی رشد پیدا کرد. از مهم‌ترین نشریات پاورقی‌نویس در این ایام می‌توان به «امید»، «صبا»، «ترقی»، «تهران مصور» و «اطلاعات هفتگی» اشاره کرد.

یکی از تحولات مهم این دوره، تأسیس حزب توده ایران بود که با رویکردی پرولتاریایی و تأکید بر دوستی با اتحاد جماهیر شوروی، به سرعت به کانون جذب نویسندگان تبدیل شد. این حزب با تعیین چارچوب‌های مشخص ایدئولوژیک، فضای فعالیت ادبی را محدود کرده و بسیاری از نویسندگان را تشویق به همسو شدن با اهداف خود نمود. که البته می‌توان عدم پرورش ادبیات بومی را نیز به برنامه‌های جهان‌وطنی توده‌ای در مقابل ملی‌گرایی ربط داد. بنابراین یکی از جریان‌های ادبی تأثیرگذار این دوران یعنی ادبیات سیاسی یا متعهد شکل گرفت. حزب توده شش روزنامه داشت و نویسندگان و شاعرانی همچون نیما

یوشیج، هوشنگ ابتهاج، به آذین، بزرگ علوی و احسان طبری و حتی گاه هدایت در این نشریات می‌نوشتند (نواب پور، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

یکی از مهم‌ترین رخداد‌های ادبی این دوره، برگزاری نخستین کنگره نویسندگان ایران به همت انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در تیرماه ۱۳۲۵ است. اعضای هیئت‌رئیس عبارت بودند از صادق هدایت، نیما یوشیج، بدیع‌الزمان فروزانفر و علی‌اصغر حکمت، و ملک‌الشعراى بهار به‌عنوان وزیر فرهنگ رئیس کنگره بود (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۰۵/۱-۲۰۷). رویکرد کلی کنگره با توجه به دیدگاه‌های حزبی، بر ضرورت تعهد نویسندگان تأکید داشت. به این ترتیب، یکی از جریان‌های مهمی که در این دوران شکل گرفت، ادبیات سیاسی متعهد بود.

## ۲. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در دوران محمدرضا شاه (۱۳۳۲-۱۳۴۲) (دوران شکست و گریز)

در دوره دوم، که فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۴۲ را شامل می‌شود، حکومت از یک نظام محافظه‌کار توانگرسالار به یک دیکتاتوری فردی تبدیل شد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۸). این تحول، دوران خفقان تازه‌ای را رقم زد که منجر به ترس، انزوا، سرخوردگی و ناامیدی در جریان ادبیات کشور گردید. علی‌رغم این سرکوب حکومتی، در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰، آمار کمی از کتب چاپی به این شرح بود: شعر، داستان و نمایشنامه ایرانی ۱۹/۳ درصد، خارجی ۱۳/۷ درصد و کودک و نوجوان ۵/۹ درصد (ابرمی، ۱۳۵۰: ۳۴). این ارقام در مقایسه با سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ نشان‌دهنده افزایش کتب ادبی، به‌ویژه آثار تألیفی نسبت به ترجمه است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، دیکتاتوری و خفقان حکومت پهلوی بیشتر نمایان شد. در اثر این انزوا و خفقان، عده‌ای مهاجرت کردند و برخی دیگر تغییر مسیر دادند. همچنین، آن عده

که همچنان به نوشتن ادامه می‌دادند، تحت تأثیر بدبینی و پوچی، آثارشان را خلق کردند. همچون بهرام صادقی که از نویسندگان داستان کوتاه فارسی است که شکست و پوچی را در قالبی آمیخته با طنز مطرح می‌کرد. گروهی به دلیل تنگی فضای داستان‌نویسی به ترجمه غربی روی آوردند. حدود سال ۱۳۳۷، فضا کمی بهبود یافت و نشریات ادبی جدی‌تری منتشر شدند که پایه‌های ادبیات برجسته دهه ۴۰ را ایجاد کردند. در دهه ۴۰، نخستین پایه‌های ادبیاتی همچون ادبیات اقلیمی شکل گرفت و آثاری با رویکرد و واقع‌گرایی سیاسی بیشتر نمود پیدا کردند. صادق چوبک، سیمین دانشور، رسول پرویزی و احمد محمود از جمله این نویسندگان هستند.

در این دوره، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مانند اصلاحات ارضی و انقلاب سفید (۱۳۴۱) تأثیر مستقیمی بر محتوای ادبیات گذاشت. نویسندگان به تحلیل مسائل اجتماعی و پیامدهای این اصلاحات پرداختند. بسیاری از آثار این دوره به موضوعاتی همچون نابرابری اجتماعی، فقر و شکاف طبقاتی پرداخته‌اند.

درخصوص فضای سانسور و حساسیت نسبت به مسئله کتاب باید گفت حساسیت بر روی کتاب‌ها و ممنوع کردن آن در دوران پهلوی از بالاترین مقام قانونی، یعنی شخص شاه، تا پایین‌ترین مقامات وجود داشت. زمانی که به شاه گفته می‌شد فلان کتاب چنین چیزی می‌گوید، وی پاسخ می‌داد: «جلویش را بگیرید» (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). همچنین، برای نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد که سرتیپ تقوی رئیس ساواک استان اصفهان در سخنانی ضمن پرهیز دادن از خواندن «کتاب‌های مضره» به استادان دانشگاه گفت: «آقایان مواظب باشید. هرچه مطالعه کتاب‌های خارج از درس کمتر، بهتر. شما مسئولیت بزرگی دارید و باید مراقب باشید. هر چه بر سر این مملکت آمده از کتاب آمد» (قتل‌عام قلم و اندیشه، بی‌تا: ۶۷-۶۸).

### ۳- مدرنیسم، غرب‌گرایی و سانسور (۱۳۴۲-۱۳۵۷) در دوران محمدرضا شاه (دوران بیداری و خودآگاهی، از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی)

گرایش شدید به مدرنیسم و غرب‌گرایی در سیاست‌های فرهنگی محمدرضا شاه تأثیر عمیقی بر ادبیات داستانی ایران داشت و منجر به شکل‌گیری ادبیات مدرن شد. از پیشگامان داستان مدرن در این سال‌ها می‌توان به شمیم بهار، غلامحسین ساعدی و هوشنگ گلشیری اشاره کرد (راغب، ۱۳۹۹: ۱۳۰). مطابق با تحلیل حسن میرعبدینی، در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، با گسترش مدرنیسم در ادبیات داستانی ایران، نویسندگان به مضامینی چون غرب‌زدگی، بحران هویت و نقد ساختار قدرت روی آوردند و سبک‌هایی چون رئالیسم اجتماعی، سمبولیسم و مدرنیسم ادبی در آثار آنان تثبیت شد (میرعبدینی، ۱۳۹۲: ۲۴۵). در واکنش به این روند، برخی نویسندگان با طرح گفتمان غرب‌زدگی یا غیریت‌سازی، این گرایش را در آثار خود بازتاب دادند. جلال آل‌احمد (با اثر «غرب‌زدگی»)، محمود دولت‌آبادی و صمد بهرنگی از شخصیت‌های برجسته این گفتمان بودند. البته ناگفته نماند که در میان رمان‌های مدرن، نقد سیاست حکومت به‌وفور دیده می‌شود و این خود عاملی است برای توقیف بسیاری و ظنین‌شدن حاکمیت به نویسندگان و طردشان که گاه تا سال‌های پس از انقلاب نیز دنبال می‌شود (راغب، ۱۳۹۹: ۱۵۰).

این تغییرات، سبک‌ها و موضوعات داستانی را متحول کرد. قهرمان شیری از هفت مکتب داستان‌نویسی شامل آذربایجان، اصفهان، خراسان، غرب، شمال، جنوب و مرکز نام می‌برد (شیری، ۱۳۸۷). غلامرضا کافی نیز ادبیات داستانی ایران را به دو دوره کلاسیک (تا دهه چهل) و مدرن (پس از دهه چهل) تقسیم کرده است. دوره کلاسیک با تقلید از ادبیات غربی، پاورقی‌نویسی، و گرایش به داستان کوتاه همراه بود (کافی، ۱۳۸۹: ۱۷۷). دوره مدرن با رواج تکنیک‌های متنوع، ایجاد سبک‌های فردی و نگارش آثار چندلایه مانند «کلیدر» و رمان‌های اجتماعی مانند «سوشون» شناخته می‌شود (همان).

ساواک، وزارت اطلاعات و جهانگردی، کمیسیون بررسی مسائل روز، کتابخانه ملی ایران، شهربانی کل کشور، وزارت فرهنگ و هنر، مسئول رسیدگی به نظارت بر چاپ، توزیع و البته خوانندگان آثاری بودند که حکومت آنها را مضر تشخیص می‌داد. بسیاری از کتاب‌های جلال آل‌احمد در این دوران اجازه چاپ نداشتند (عاروان، ۱۳۹۸: ۴۸-۶۱).

ساواک بر نگارش، چاپ و توزیع کتاب نظارت مستقیم و غیرمستقیم داشت. حتی پس از چاپ قانونی کتاب‌ها نیز به جمع‌آوری و معدوم کردن آنها می‌پرداخت. این سازمان در توقیف و منع چاپ و توزیع کتاب‌های ممنوعه در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نقش مهمی داشت (آذرنگ و دهباشی، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۱۰۹؛) (مرادی، ۱۳۹۴: ۲۴۹۱-۲۴۸۹/۳). بیشتر مواقع مأموران ساواک در نقش ضابط را در این خصوص داشتند. ساواک بر چاپخانه‌ها نظارت داشت و مأمورانی در این اماکن به کار گماشته بود (شاهدی، ۱۳۹۳: ۳/۵۵). مهم‌ترین اقدامات ساواک عبارت بود از: جست‌وجوی کتابخانه‌ها و جمع‌آوری کتاب‌های ممنوعه، دستگیری و بازجویی مدیران نشر در ارتباط با کتاب‌های ممنوعه، دستگیری و زندانی کردن نویسندگان کتاب‌های ممنوعه، بازرسی خانه انقلابی‌ها برای پیدا کردن کتاب‌های ممنوعه، بازرسی زندان‌ها برای پیدا کردن کتاب‌های ممنوعه، نظارت بر ورود کتاب از خارج.

با این حال، به گفته آبراهامیان، تشکیل حزب رستاخیز تأثیر منفی بر حوزه چاپ و نشر کتاب گذاشت و شمارگان کتاب‌ها را به کمتر از یک‌سوم کاهش داد. به‌رغم این شرایط، در این ایام نویسندگان زیادی بازداشت شدند و معدودی مجبور به اعترافات تلویزیونی شدند. در این سال‌ها، که دوره سوم حکومت پهلوی با مواجهه با آثار ادبی همراه بود، مبارزه با حکومت پهلوی مضمون بسیاری از آثار نویسندگان سیاسی و متعهد شد. در واقع، در این سال‌ها هیچ نویسنده‌ای جرأت دفاع از خاندان پهلوی را نداشت و فضای فرهنگی ایران قبل از انقلاب چنین چیزی را مردود می‌شمرد (راغب، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

در سال ۱۳۴۵، دولت هویدا ناشران را ملزم کرد تا کتاب‌های خود را پیش از انتشار به اداره نگارش وزارت فرهنگ و ارشاد ارائه دهند (طرح ممیزی پیش از چاپ و پس از انتشار). اجرای لایحه سانسور منجر به تعطیلی برخی چاپخانه‌ها، بیکاری کارگران و محدودیت برای نویسندگان مستقل شد. نویسندگانی همچون جلال آل‌احمد، احمد شاملو، غلامحسین ساعدی و دیگران در جلسه‌ای با هویدا اعتراض کردند و ساعدی مأمور پیگیری این مسائل شد، اما این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند.

در سال ۱۳۴۷، تشکیل کانون نویسندگان به‌عنوان نهادی صنفی-سیاسی، نقش مهمی در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی روشنفکران ایفا کرد. هم‌زمان با تشدید سانسورهای هویدا، فرح پهلوی در سال ۱۳۴۶ طرح برگزاری کنگره جهانی نویسندگان را ارائه داد که با دعوت از نویسندگانی مانند آرتور میلر و ژان پل سارتر همراه بود. حکومت پهلوی در تلاش بود تا با سرکوب روشنفکران، جریان روشنفکری وابسته‌ای را برای نمایش مدرن‌گرایی خود ایجاد کند. در این میان، جلال آل‌احمد و ۵۲ نویسنده دیگر با انتشار اعلامیه‌ای در اسفند ۱۳۴۶، این کنگره را تحریم کردند.

در دوره دوم فعالیت‌های کانون نویسندگان، در تیر ۱۳۵۶، کانون نویسندگان در نامه‌ای سرگشاده برای هویدا به امضای به‌آذین، دانشور، ساعدی، باقر مؤمنی، ناصر پاکدامن، هما ناطق، فریدون آدمیت، علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی و دیگران به ممیزی و سرکوب فرهنگی اعتراض کرد. همچنین در تابستان همان سال، گروه کتاب و اندیشه آزاد در نامه‌ای برای نشریات خارجی به شکنجه نویسندگان و ممیزی آثار ادبی با جزئیات اشاره کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۶۲۰). (سند پیوستی شماره ۵).

به‌آذین (محمود اعتمادزاده) نویسنده و مترجم، به‌دلیل امضای بیانیه کانون نویسندگان علیه زندانی شدن تنکابنی و به جرم «تحریم مردم به مسلح شدن برضد حکومت ملی» دستگیر شد. او از دادرسی ارتش پرسید که امضای بیانیه چه ارتباطی به مسلح شدن مردم علیه

حکومت دارد. به او جواب می‌دهند: مفهوم مسلح شدن تنها سلاح‌های مادی را دربر نمی‌گیرد. بلکه هر سخن و نوشته‌ای که بتواند زمینه مخالفتی با حکومت ملی را فراهم کند همچون سلاحی است که به دست مخالفان داده می‌شود و آنان را مسلح می‌کند (قتل عام قلم و اندیشه، بی تا: ۱۳).

به منظور نظارت همه‌گیر برای کتاب‌های در حال چاپ و یا چاپ‌شده در این دوران، در وزارتخانه‌های ذی‌ربط و دوایر دولتی گروه‌های سانسور تشکیل شد: گروه سانسور ساواک، گروه سانسور وزارت فرهنگ و هنر، گروه سانسور شهربانی، گروه سانسور حزب رستاخیز و گروه سانسور وزارت اطلاعات و جهانگردی (شاهدی، ۱۳۸۶: ۴۸۱). (خسروی، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

همچنین برای نمونه می‌توان به اقدام رئیس آجودانی وزارت جنگ، اشاره کرد. سرتیپ فرسنداج، رئیس آجودانی وزارت جنگ به حوزه‌های نظامی فهرست «کتب مضره» را که ۳۹۴ عنوان، همراه با نام نویسنده یا مترجم آن بود، ارسال کرد و دستور داد کلیه کارکنان، افسران، درجه‌داران و کارمندان از خرید و مطالعه این کتاب‌ها خودداری ورزند (لیست کتاب‌های ممنوعه در دوران شاه: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی) (سند پیوستی شماره ۴).

به‌طور کلی، ممیزی و فشار حکومت نشر کتاب را تا سال ۱۳۵۷ با دشواری‌هایی مواجه کرد. آمار کتب چاپی در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵ به شرح زیر بود: شعر، داستان و نمایشنامه ایرانی ۱۷/۹ درصد، خارجی ۱۲/۳ درصد و کودک و نوجوان ۶/۴ درصد. همچنین درصد کتب خاص علوم محض و عملی به آرامی در حال رشد بود (ابراهیمی، ۱۳۵۰: ۳۴-۳۵). در قیاس با سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰، آثار ادبی اندکی رو به کاهش داشت. آمار کمی کتاب در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ روبه‌رشد بود، اما در سال ۱۳۴۹ با کاهش بیست درصدی افت کرد که این کاهش تا ۱۳۵۲ ادامه داشت. در سال ۱۳۵۳ چهل درصد کاهش یافت، سال ۱۳۵۴

رشد و سال ۱۳۵۵ افول کرد و در سال ۱۳۵۶ به سطح سال ۱۳۵۲ بازگشت و سال انقلاب نسبت به سال قبل اندکی کاهش داشت (راغب، ۱۳۹۹: ۱۲۹). در این سال (۱۳۵۶) تعداد کتاب‌های ممنوعه چاپ داخل و خارج ایران، به بیش از هفتصد عنوان رسید (فردای ایران، ۱۳۶۰، مرداد: ۴۶۲-۴۷۸؛ فردای ایران، ۱۳۶۰، شهریور: ۵۴۸-۵۵۵).

ازجمله آثار مطرحی که با رویکرد سیاسی در این سال‌ها پدید آمده است، می‌توان به «دایی جان ناپلئون» ایرج پزشکزاد (۱۳۵۱) اشاره کرد که سیاست در پس‌زمینه اثر به شکل چشمگیر هویداست و کنش شخصیت‌ها را در حدود سال‌های ۱۳۲۰ دربر می‌گیرد. همچنین، رمان‌های دیگری با رویکرد سیاسی که درون‌مایه اعتراض به وضع موجود را نیز در خود دارند، شامل «سووشون» (۱۳۴۸) سیمین دانشور و «همسایه‌ها» (۱۳۵۳) احمد محمود هستند (این کتاب در دوره‌های طولانی پیش و پس از انقلاب ممنوع بوده است).

با این توضیحات می‌توان به‌صراحت اعلام کرد که دوره سوم داستان‌نویسی، که شامل سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ می‌شود، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های ادبیات داستانی به شمار می‌رود. گسترش زندگی شهرنشینی، بالاتر رفتن سطح دانش، و دست‌یافتن نویسندگان به تجربه‌های نو و قوام‌یافتگی نسبی داستان‌نویسی جوان ایران را می‌توان ازجمله این نتایج دانست. از طرفی در این دوره، با وجود فشارهای حکومت، نویسندگان راه‌های تازه‌ای برای بیان هنری خود پیدا کردند. در سال ۱۳۴۵، به‌دنبال سرکوب مخالفان، حکومت با احساس پیروزی بر آنها، اجازه داد تا آثار برخی نویسندگان، مانند نیما یوشیج و صادق هدایت، که با مرگشان دیگر خطری برای حکومت محسوب نمی‌شدند، تبلیغ و ترویج شود. دوره‌های دهی چهل و پنجاه شمسی تحت تأثیر سیاست‌های محمدرضا پهلوی، شاهد تحولات شگرفی در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه فکری و فرهنگی ایران بود. این دوره را می‌توان یک نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران تلقی کرد. ظهور نسل جدیدی از نویسندگان، ازجمله زنان، افزایش چشمگیر میزان کتاب‌خوانی و انتشارات، توسعه مراکز

علمی و پژوهشی در حوزه علوم اجتماعی، شکل‌گیری سبک جدیدی از نثر فلسفی و جامعه‌شناسی و بهبود سطح دانشگاه‌ها از جمله دستاوردهای مهم این دوره محسوب می‌شوند. مسئله هویت و چالش بین «خود» و «دیگری» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری این دوره مطرح شد و همچنان از اهمیت زیادی برخوردار است (صدیقی، ۱۳۸۸: ۹۷). و پربیراه نیست که عابدینی نام این دوره از تاریخ ادبیات ایران را بیداری و خودآگاهی گذاشته است. (برای مقایسه تطبیقی تأثیر سیاست‌های فرهنگی دو دوره پهلوی بر ادبیات داستانی، نک. جدول پیوست شماره ۱).

#### یافته‌ها: مقایسه عملکرد دو دولت رضا شاه و محمدرضا شاه پهلوی

سیاست‌های فرهنگی در دو دوره رضاشاه و محمدرضا شاه تأثیرات متفاوت و گاه متضادی بر ادبیات داستانی ایران داشت. در دوره رضاشاه، تأکید اصلی بر ناسیونالیسم، بازسازی هویت ملی و بازنمایی شکوه گذشته ایران بود، در حالی که در دوره محمدرضا شاه، گرایش به مدرنیزاسیون و الگوبرداری از فرهنگ غرب تقویت شد. هر دو رویکرد اگرچه ظاهراً به ارتقای فرهنگی می‌انديشیدند، اما در عمل به شکل‌گیری دو مسیر متفاوت در ادبیات داستانی منجر شدند.

از منظر سیاست‌های کنترلی، رضاشاه با ایجاد سازمان‌هایی مانند «سازمان پرورش افکار»، سعی در هدایت نظام‌مند ادبیات در جهت اهداف دولت داشت. در مقابل، در دوره محمدرضا شاه، با وجود تأسیس نهادهایی همچون کانون نویسندگان و گسترش دانشگاه‌ها، دستگاه‌های امنیتی از جمله ساواک، محدودیت‌های شدیدتری بر فضای فرهنگی اعمال می‌شد. در حوزه سبک و محتوا، ادبیات دوره رضاشاه بیشتر متکی بر واقع‌گرایی اجتماعی، مضامین ناسیونالیستی و تاریخ‌گرایانه بود؛ اما در دوره محمدرضا شاه، سبک‌هایی چون مدرنیسم،

ادبیات روستایی و ادبیات سیاسی گسترش پیدا کردند و مضامین اجتماعی و سیاسی با رویکردی انتقادی تری بازتاب یافتند.

نویسندگان در هر دو دوره، ناگزیر از بهره‌گیری از نماد و استعاره برای عبور از سانسور بودند، با این تفاوت که در دوره رضاشاه فضای سیاسی بسته‌تری حاکم بود و ادبیات به‌نوعی در خدمت سیاست ملی‌گرایانه قرار گرفت، درحالی‌که در دوره محمدرضا شاه، نویسندگان بیشتری به نقد نظام و ساختارهای اجتماعی پرداختند، هرچند در معرض سانسور شدیدتر قرار گرفتند. در نهایت، می‌توان گفت که دوره رضاشاه، با ساختاردهی متمرکز فرهنگی و تأکید بر ناسیونالیسم، مسیر خاصی برای ادبیات گشود و دوره محمدرضا شاه، با تلاقی آزادی‌های محدود و کنترل‌های فزاینده، به تنوع بیشتر در سبک‌ها و محتوا انجامید. خلاصه‌سازی تطبیقی این ویژگی‌ها در جدول پیوست (پیوست شماره ۲) ارائه شده است.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با تکیه بر چارچوب نظری سیاست‌گذاری فرهنگی، به بررسی نقش سیاست‌های فرهنگی و سازوکارهای سانسور در دوران حکومت پهلوی (رضاشاه و محمدرضا شاه) بر ادبیات داستانی ایران پرداخت. تحلیل داده‌ها نشان داد که سیاست‌های فرهنگی در هر یک از این دو دوره، با ویژگی‌ها و اهداف متفاوت، در جهت‌گیری و شکل‌گیری ادبیات داستانی تأثیرگذار بوده‌اند.

در دوران رضاشاه پهلوی، جهت‌گیری سیاست‌های فرهنگی عمدتاً بر تقویت ناسیونالیسم، بازسازی هویت ملی و بهره‌گیری از ادبیات در راستای اهداف دولت متمرکز بود. در این چارچوب، نهادهایی همچون سازمان پرورش افکار به‌منظور هدایت تولیدات فرهنگی تأسیس شد و نویسندگان، با توجه به مقتضیات دوره، به مضامینی چون تاریخ‌نگاری ملی،

وطن‌دوستی و بازنمایی شکوه تمدن ایرانی گرایش یافتند. استفاده از نمادگرایی و زبان غیرمستقیم نیز به‌عنوان راهکاری برای بیان مسائل اجتماعی در برخی آثار این دوره مشاهده شد.

در دوره محمدرضا شاه، در مرحله‌ای، فضای نسبتاً بازتری برای فعالیت فرهنگی نویسندگان فراهم شد؛ اما پس از تحولات سیاسی سال ۱۳۳۲، نظارت و سانسور بر تولیدات ادبی تشدید گردید. هم‌زمان، گرایش به مدرنیسم و الگوبرداری از جریان‌های فکری و فرهنگی غرب، زمینه‌ساز شکل‌گیری گونه‌های متنوع‌تری از ادبیات داستانی شد که شامل ادبیات روستایی، ادبیات کارگری، و سبک‌های مدرن‌تر بود. با وجود این تنوع، محدودیت‌های سیاسی و مداخلات ساختاری در تولید فرهنگی، انتشار بسیاری از آثار را با دشواری مواجه ساخت و بر شیوه‌های روایت و انتخاب مضامین ادبی تأثیر گذاشت.

تحلیل‌نهایی پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو دوره، سیاست‌های فرهنگی و سازوکارهای سانسور در تعیین مضامین، زبان و سبک‌های ادبی ایفای نقش کرده‌اند. همچنین، واکنش نویسندگان به این شرایط، به‌صورت بهره‌گیری از زبان تمثیلی، تکنیک‌های غیرمستقیم و تأکید بر عناصر فرمی و ساختاری در برخی آثار نمود یافته است. این واکنش‌ها در مواردی به شکل‌گیری پیچیدگی‌های زبانی و ساختاری در ادبیات داستانی منجر شده‌اند.

در جمع‌بندی، می‌توان دریافت که ادبیات داستانی ایران در دوران پهلوی در تعامل میان سیاست‌های فرهنگی رسمی و کنش ادبی نویسندگان، به مسیرهای متنوعی سوق یافته است. این پژوهش به بازه زمانی پیش از انقلاب اسلامی محدود بوده و مطالعه سیاست‌های فرهنگی پس از انقلاب و تأثیر آن بر جریان‌های ادبی، می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های مکمل در آینده باشد.

تأثیر سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی بر تحول ادبیات داستانی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش ..... ۳۰۱

## کتابنامه

### الف) اسناد:

آرشیو سازمان اسناد انقلاب اسلامی، لیست کتب ممنوعه در دوران شاه: برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی

فردای ایران (۱۳۶۰). «فهرست و اسامی کتب مضرهای که منتشر نشده‌اند». سال اول، (شماره ۶)

سند پیوستی شماره ۱. اساسنامه کانون ایران باستان

سند پیوستی شماره ۲. اساسنامه فرهنگستان زبان ایران

سند پیوستی شماره ۳. اساسنامه کانون پرورش افکار.

سند پیوستی شماره ۴. لیست کتب ممنوعه در دوران محمدرضا پهلوی

سند پیوستی شماره ۵. نامه کانون نویسندگان ایران

### ب) کتاب و مقاله:

آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن (چاپ نوزدهم)، تهران، نی، ۱۳۹۸.

آذرنگ، عبدالحسین و علی دهباشی، تاریخ شفاهی نشر ایران (ویرایش دوم)، تهران، ققنوس، ۱۳۹۳.

ابرامی، هوشنگ، تحول محتوای کتاب در ایران، کتاب امروز، ش ۱، مهر، ۱۳۵۰.

آزادارمکی، تقی و نوح منوری، «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی،

سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، س ۱، ش ۳،

تابستان ۱۳۹۱، صص ۷-۳۷.

تابانی، حبیب‌الله، چهره‌های منفور در تاریخ ایران معاصر، تهران، نگاه، ۱۳۸۲.

پارسی‌نژاد، کامران و حمیرا رنجبر عمرانی، ادبیات داستانی در ایران پهلوی اول ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ با

تکیه بر سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.

۳۰۲ ..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

پورآرین، فؤاد، رازنهان، رجیبی، «رضاشاه و مدرنیزاسیون ایران: ضدیت با مظاهر فرهنگ اسلامی - ایرانی». تاریخنامه خوارزمی، س ۳، ۱۳۹۴، صص ۳-۲۴.

حسین‌لی، رسول، مبانی و اصول سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران، نشر آن، ۱۳۷۹.

حنیف، محمد، داستان سیاسی، داستان انقلاب. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.

حسینی، حمزه، محمدرضا علم، «هخامنشی‌گرایی در سیاستگذاری فرهنگی حکومت محمدرضا شاه پهلوی»، نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، س ۶، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۳۲-۶۱.

خالق‌پناه، کمال و سنایی، علی (۱۳۹۸). «مدرنیته و صورت‌بندی گفتمانی سیاست فرهنگی: تحلیل گفتمانی سیاست فرهنگی در ایران (۱۲۸۵- تا به امروز)»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، س ۳۰، ش ۳، پاییز ۱۳۹۹، صص ۵۷-۷۴.

خسروی، فریبرز، سانسور: تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۸.

سفری، محمدعلی، قلم و سیاست از استعفای رضاشاه تا سقوط مصدق (جلد یک). تهران، نامک، ۱۳۹۹.

سلیمانی، کریم، «سانسور مطبوعات، کتاب، فیلم‌برداری و عکس‌برداری در دوران رضا شاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)»، پژوهش‌نامه انجمن ادبی تاریخ، س ۱، ش ۲، زمستان ۱۳۸۸، صص ۹۵-۱۳۲.

سوآپا، دروتا و رحمانیان، داریوش، «شهربانی رضاشاهی (۱۳۰۴-۱۳۲۰) به روایت ادبیات داستانی فارسی»، فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی، س ۹، ش ۳۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۶۵-۸۸.

ستوده، هدایت‌الله، جامعه‌شناسی و ادبیات، تهران، آوای نو، ۱۳۷۸.

شیری، قهرمان، مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران، تهران، چشمه، ۱۳۸۷.

تأثیر سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی بر تحول ادبیات داستانی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش..... ۳۰۳

شاهدی، مظفر، انقلاب اسلامی ایران، مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی یک انقلاب بی‌مانند، ج ۳، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

شاهدی، مظفر، ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۳۳۵-۱۳۵۷، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶.

راغب، محمد، مدخل داستان معاصر فارسی (۱۲۷۴-۱۳۸۴)، تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۹۹.

دریگی، بابک، سازمان پرورش افکار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

صدیقی، علیرضا، «بومی‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی ایران (۲۰-۵۷)»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۵، زمستان ۱۳۸۸، صص ۹۵-۱۱۶.

قتل‌عام قلم و اندیشه، (بی‌تا)، بی‌جا، بی‌نا.

عاروان، کامران، «بزارهای حکومت پهلوی برای جلوگیری از انتشار، توزیع و مطالعه کتاب‌های ممنوعه (۱۳۴۲-۱۳۵۷)»، فصلنامه مطالعات تاریخی، س ۱۷، ش ۶۶، پاییز ۱۳۹۸، صص ۴۶-۶۶.

کافی، غلامرضا، شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۹.

گوئل، کهن، تاریخ مطبوعات ایران، جلد اول، تهران، آگاه، ۱۳۶۲.

معتقدی، ربابه، «سانسور در مطبوعات عصر پهلوی»، گنجینه اسناد، ش ۴۴، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۰۶-۱۱۰.

موسوی، سید صدرالدین، درودی، مسعود و اسلانی کتولی، «تأثیر گفتمان غرب‌زدگی بر ادبیات داستانی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی در ایران»، ادب پژوهی، ش ۲۹، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۳۹-۱۶۰.

میرعابدینی، حسن، صد سال داستان‌نویسی در ایران، تهران، چشمه، ۱۳۸۶.

میرعابدینی، حسن، صد سال داستان‌نویسی در ایران (جلد اول و دوم)، ویراست دوم، تهران: چشمه، ۱۳۸۰.

میرعابدینی، حسن، تاریخ ادبیات داستانی، نشر سخن، ۱۳۹۲.

۳۰۴ ..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مختاری اصفهانی، رضا و مجتبی زارعی، پهلویسم یا شبه‌مدرنیسم در ایران (نوسازی فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی به روایت اسناد رژیم پهلوی)، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۸.

مرادی، فرید، تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب ج ۳، تهران، خانه کتاب و مرکز کتاب پژوهی ایران، ۱۳۹۴

نواب‌پور، رضا، پژوهشی جامعه‌شناختی در نثر داستانی جدید فارسی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۹۷.

همایون کاتوزیان، محمدعلی، مشروعیت سیاسی و پایگاه اجتماعی رضاشاه (ترجمه حمید احمدی)، تهران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۰۳ و ۲۰۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، صص ۹۶-۱۱۳.

همراز، ویدا، «نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۶، صص ۵۰-۶۳

وحید، مجید، «بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی»، فصلنامه سیاست، س ۳۷، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶، صص ۲۸۷-۳۰۶.

### ج) فهرست جداول

جدول شماره ۱- مقایسه تطبیقی تأثیر سیاست‌های فرهنگی دو دوره پهلوی بر ادبیات داستانی

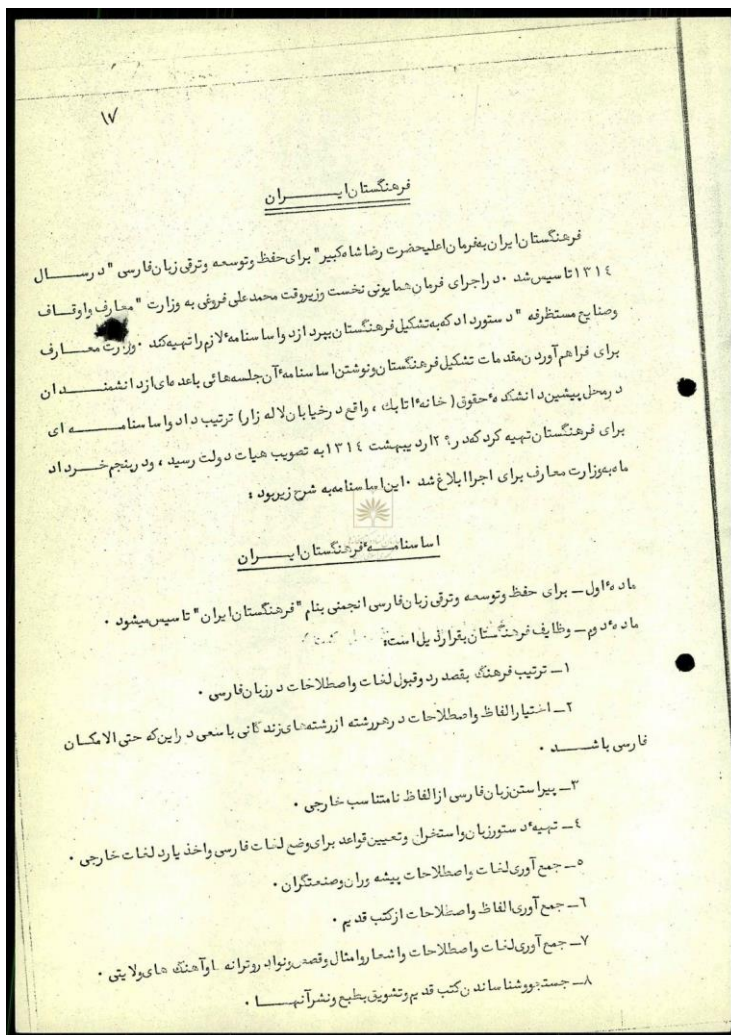
دوره تاریخی	رویدادهای سیاسی و اجتماعی	تأثیر بر ادبیات داستانی	نویسندگان شاخص	سبک‌ها و جریان‌ها
دوران	کودتای ۱۲۹۹	تمرکز بر	صادق هدایت	واقع‌گرایی

اجتماعی، ناسیونالیسم ادبی	جمال‌زاده، بدیع‌الزمان فروزانفر، مشفق کاظمی، عباس خلیلی، محمد حجازی	موضوعات اجتماعی، فقر، فحشا، جست‌وجوی هویت، تأکید بر ناسیونالیسم، سانسور و محدودیت‌های بیان	تشکیل حکومت پهلوی، تمرکز بر ناسیونالیسم و بازسازی هویت ملی، جنگ جهانی اول، ...	رضاشاه (۱۳۰۴- ۱۳۲۰)
واقع‌گرایی اجتماعی، مدرنیسم، ادبیات روستایی، ادبیات سیاسی	جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، صادق چوبک، غلامحسین ساعدی	رشد ادبیات سیاسی، تأکید بر مسائل اجتماعی، ظهور ادبیات روستایی، گرایش به مدرنیسم و غرب‌گرایی، سانسور و محدودیت‌ها	کودتای ۲۸ مرداد، اصلاحات ارضی، انقلاب سفید، رشد نهادهای فرهنگی، جنگ سرد،	دوران محمدرضا شاه (۱۳۲۰- ۱۳۵۷)

جدول شماره ۲- تطبیق دقیق ویژگی‌های فرهنگی و ادبی دوره رضاشاه و محمدرضا پهلوی

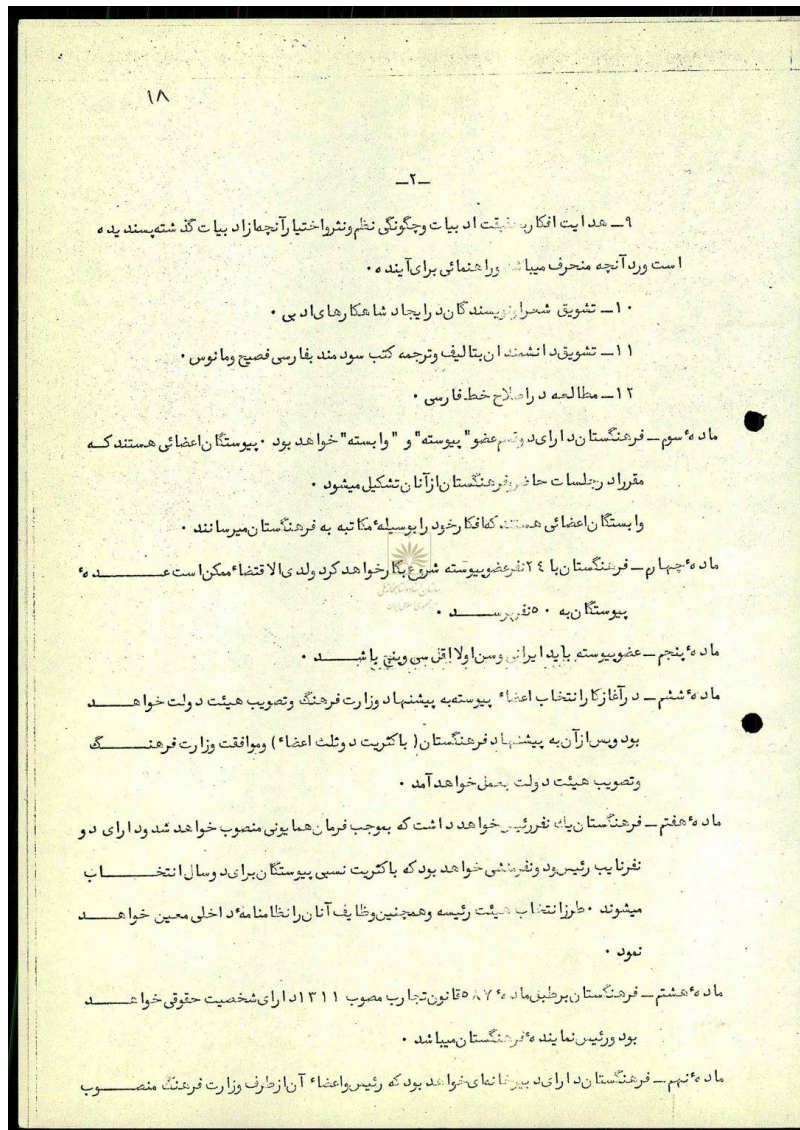
ویژگی	دوره رضا شاه	دوره محمدرضا شاه
هدف اصلی سیاست‌های فرهنگی	تقویت ناسیونالیسم، بازسازی هویت ملی	مدرنیزاسیون، غرب‌گرایی
میزان سانسور	شدید	متغیر (ابتدا کمتر، سپس افزایش یافت)
موضوعات غالب در ادبیات	اجتماعی، تاریخی، ناسیونالیستی	اجتماعی، سیاسی، مدرنیستی
سبک‌های ادبی شکل گرفته	واقع‌گرایی اجتماعی، ناسیونالیستی	مدرنیسم، واقع‌گرایی اجتماعی، ادبیات روستایی
نهادهای فرهنگی مهم	سازمان پرورش افکار	کانون نویسندگان، دانشگاه تهران،
تأثیر بر نویسندگان	محدودیت، استفاده از نمادها، خودسانسوری	محدودیت، مبارزه برای آزادی بیان





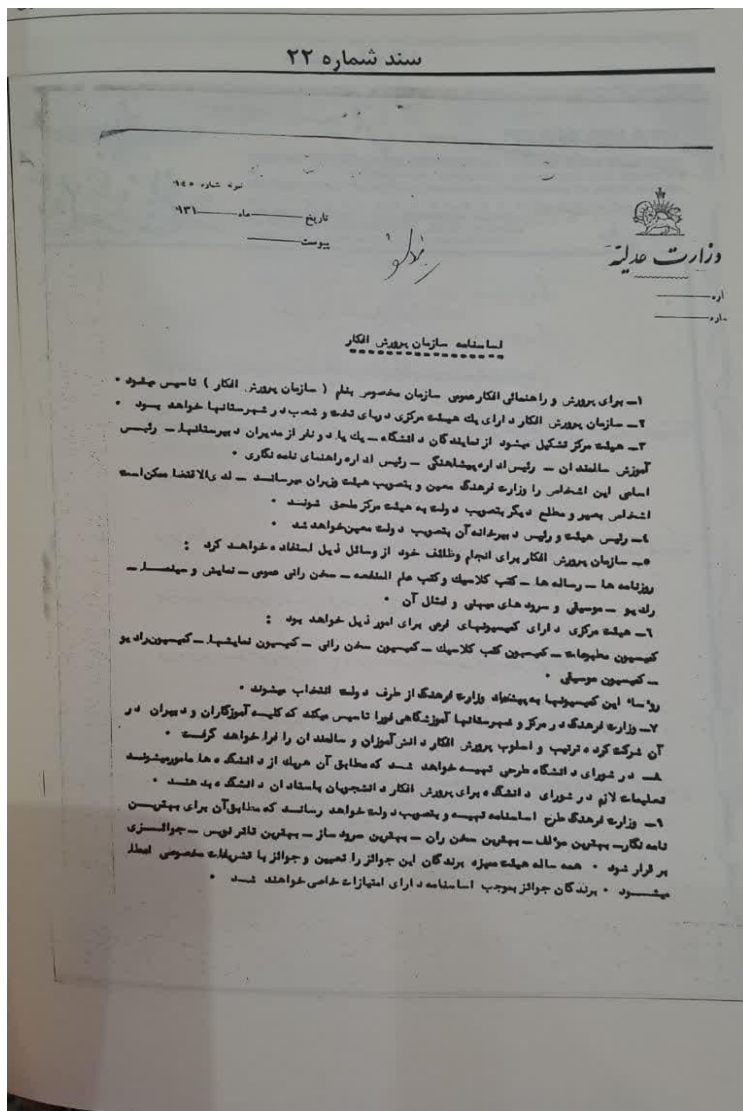
سند شماره ۲:

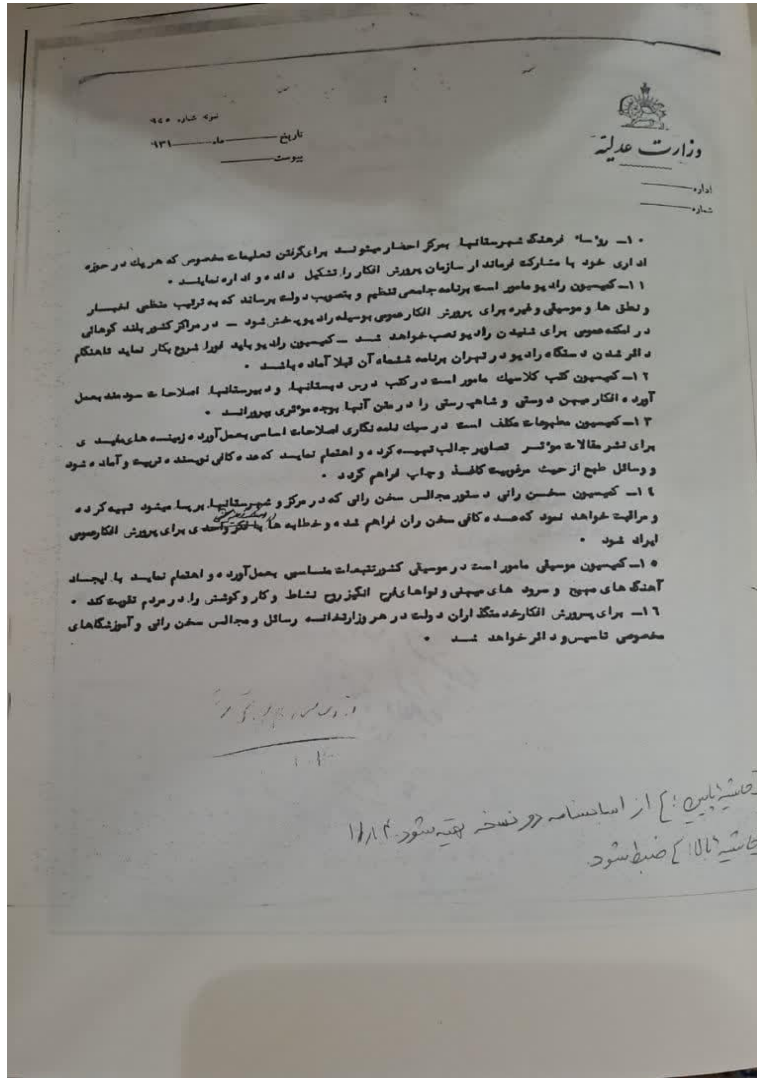
اساسنامه فرهنگستان زبان ایران



### سند شماره ۳:

اساسنامه کانون پرورش افکار





سند شماره ۴:

لیست کتب ممنوعه در دوران محمدرضا پهلوی



ردیف	نام کتاب	مؤلف یا مترجم
۱	آخرین نامه‌های محکومان بزرگ	ترجمه و روشنگری زبیری
۲	آینده و شاه بنده او	ترجمه هاشم رضی
۳	آزاد زینتن با مقاله‌های درآزادیه‌ها و جنسی	دکتر مرتضی‌الله مجاهد پور
۴	آینده در نظم و اسلام	سید علی خامنه‌ای
۵	آرزو در نظم و آزادی	نادر ابراهیمی
۶	آینده اسلام	مصطفی زمانی
۷	آشنایی بیشتر درباره کشورهای شوروی	ترجمه ناهید
۸	ابراهیم بت شکن	مصطفی زمانی
۹	اختلاف سرمایه داری	ترجمه حسن تاشیمان
۱۰	استالین (بحث در مسئله طبعیت اینترناسیونالیسم و مکررات مارکسیست)	ژان ریشار بلوک
۱۱	استفراخ	ژان پل سارتر
۱۲	اسرار سازمان ملای بیهود	ترجمه ویرجین
۱۳	اسرار و سحر	مهدی سپهری
۱۴	اسلام و جنبش‌های نژادی	علی محمدی کرمانی
۱۵	اسلام و ملوک کارگران	سید جعفر شیخ الاسلام
۱۶	اسلام در شوروی	-
۱۷	استراتژی جنگ انقلاب در چین	ماتریشه کینگ
۱۸	اشرف سخنان	محمد سعید

ردیف	نام کتاب	مؤلف یا مترجم
۲۹	اشعار و مقالات برگزیده در باره تنفس	خوزی
۳۰	ارتباطها	ترجمه کاظم انصاری، (ماکسیم گورکی)
۳۱	اصول مذهب مابین فلسفه	ژوزفیت سو
۳۲	اصول علم و اقتصاد	دوشین
۳۳	اشاعت کبیرگراشه	خسروزی
۳۴	اندلس سرزمین خاطره ها	سید علی محقق
۳۵	انترناسیونالیست	لیوشا لویس
۳۶	انقلاب و شد انقلاب	میشل سه بوس و آلبرت کان
۳۷	اندیشه های میراث‌تعمیل آخوندزاده	فریدون آدمیت
۳۸	اقتصاد ملی اتحاد شوروی	اداره مرکزی آمار وابسته امنیت وزیران اتحاد شوروی
۳۹	انقلاب حیوانات	علی بدوهرنگلام
۴۰	ایران ترقی ملی کف فقریت	
۴۱	بازگشت از بنشام	(ژان لاکتور) ترجمه منوچهر کبیا
۴۲	باصرفها	عماد رابع
۴۳	بدیع الوقایع	زین الدین محمود و اضعی
۴۴	برگردیم گل نسرین مجتبی	ژان لاییت ترجمه حسین نوروزی
۴۵	بشر از شرمادی	دکتر توفی اراسی
۴۶	بغداد (وزیران و بنیاد)	احمد کسروی

mashreqnews.ir



کتابخانه اسنادی انقلاب اسلامی

فهرست منابع

ردیف	نام کتاب	مؤلف یا مترجم
۳۷	پوزواری آمریکا	-
۳۸	پلشویسم و قانون اساسی شوروی	-
۳۹	بهترین اشعار قریب بزرگ	قریب بزرگ
۴۰	بیمست و سومین کنگره حزب کمونیست	-
۴۱	بزرگانی استالین	ترجمه شائق هدایتی
۴۲	پاشنه آهنین	جان لندن
۴۳	پایگاه انتشارات امیرالمسلم (شوروی - حزب)	-
۴۴	پسگاریزی و سایر آثار ارانی	ارانی
۴۵	پنجاه و سه نفر باران زندانی	بزرگ طوی
۴۶	پیشگویی شوروی (راز ۷ ساله)	خسرو مستغنی
۴۷	تاریخ از نظر فلسفه مادی	پلخانوف
۴۸	بهمان جوانمردان	سید فلان رضاعیدی
۴۹	تاریخ حزب کمونیست شوروی	بیزان روس (پ. ن. پانتوماروسا برین)
۵۰	تاریخ خلفای بنی امیه و بنی عباس	مصطفی زمانی
۵۱	تاریخ حزب کمونیست بلشویک	ناشر اداره نشریات زانهای خارجی مسکو
۵۲	تاریخ شوروی	زان پروکات ترجمه علی اصغر ششم بیزان نارس آ. م. بانگراتا بیزان روسی
۵۳	بازمانده سیاه استعمار	علی اکبر هاشمی رفسنجانی
۵۴	تعمیر الوسیله	آیت اله سید روح اله خمینی


۳

ردیف	نام کتاب	مؤلف یا مترجم
۵۵	تکامل مبارزه ملی	جلال الدین حسن فارسی
۵۶	شبه	تلود براینز
۵۷	توضیح المسائل	آیت اله سید روح الله خمینی
۵۸	جامعه شناسی	احمد قاسمی
۵۹	چدام	گل آرا
۶۰	چزاد رشیدی	گرینکو
۶۱	چنگ شکر رگیا	ژان پل سائتر ترجمه جهانگیر زکری
۶۲	چنگ عقاب	-
۶۳	چنایات تاریخ	سید جعفر شهیدی
۶۴	چشمبای به هفتاس	-
۶۵	چشم بزرگ و بزرگ بیان	بروز شهرماری
۶۶	چپانی که من میباشم	(برت راند راسل) ترجمه روح الهیاس
۶۷	چهار و شپاد ت	آیت اله سید محمود خالغانی
۶۸	چگونه فرلا آمد بد ه شد	نیلا آسترویسکی
۶۹	چشمبای	بزرگ طوی
۷۰	چلکاش	(ماتسم گریس) ترجمه کاظم انصاری
۷۱	چمدان	بزرگ طوی
۷۲	چه باید کرد	(چرنیشفسکی) ترجمه برنوا آزاد

www.mashreginews.ir

ردیف	نام کتاب	مؤلفه یا مترجم
۷۳	چین که می‌جنگد	(سیمونوف) ترجمه پروتوآراد
۷۴	چین که به‌روز شد	(ماتوشه تونگ) ترجمه نیلوفر
۷۵	چند موضوع از اقتصاد	احمد ناسی
۷۶	حاجی آقا	صادق هدایت
۷۷	حکایاتی چند راجع به لندن	اداره نشریات بزبانهای خارجی
۷۸	حکومت در اسلام	صدرایی محمد اران
۷۹	حکومت نظامی	(آمبرکابو) ترجمه یحیی مروض
۸۰	خانزاده و دولت	انگلیسی
۸۱	خاخره (به لهجه ترکی)	-
۸۲	خراگاری	چاک لندن
۸۳	خواسته های بشر	طی مشکین نجفی
۸۴	خرده روزها	(مکسیم گورکی) ترجمه م. هوشیار
۸۵	خداوند ریاضی لری (به لهجه ترکی)	-
۸۶	در آستانه بهرزی	(اورل میخائیل) ترجمه پروین
۸۷	در باره لندن	ی. ستالین
۸۸	در زمین و آسمان	سید مصطفی درینجی زنجانی
۸۹	ادبیات از نظر گورکی	-
۹۰	دانشگاه های من	(مکسیم گورکی) ترجمه طی اسفندیاریان

۵



فصلنامه علمی - پژوهشی اسناد و کتابخانه‌شناسی

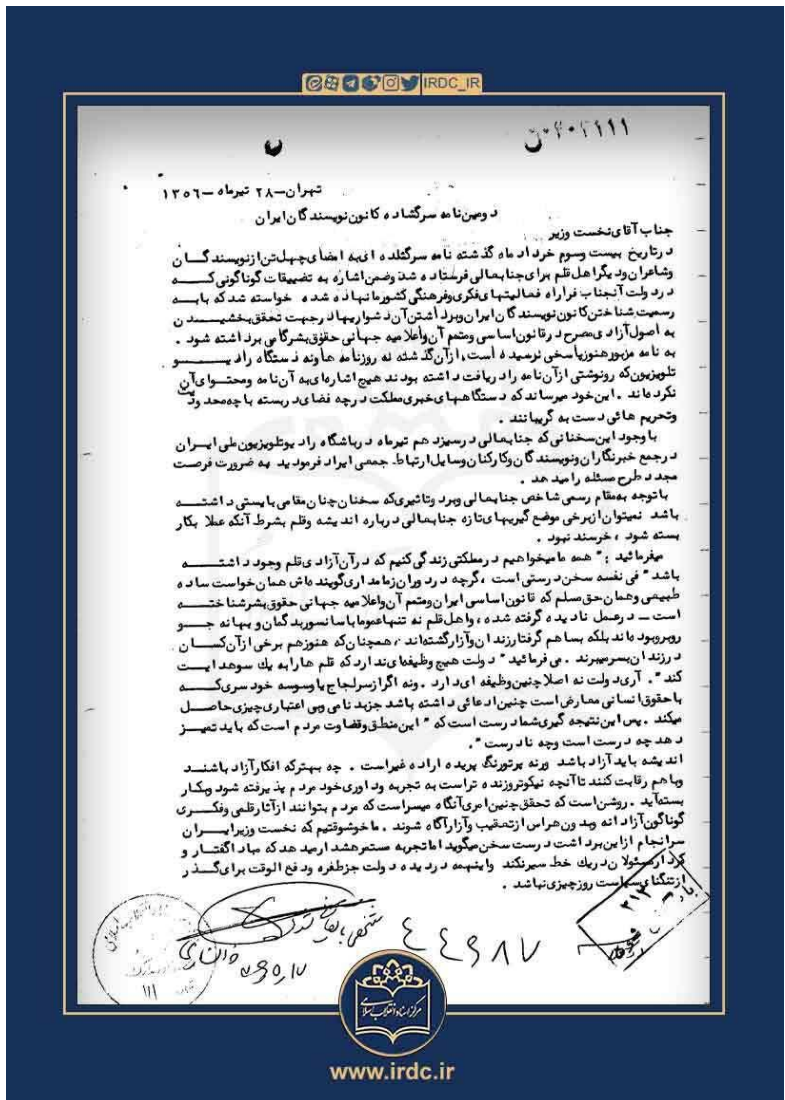
www.irdc.ac.ir

ردیف	نام کتاب	مؤلف یا مترجم
۹۱	دنیای وارثان	-
۹۲	در جستجوی نان	(مکتبیم گورکن) ترجمه احمد صادقی
۹۳	دوره های ( بسوی آینده، جوانان، میکرات و کیوتران صلح )	-
۹۴	در تلاش معاشن	محمد سمعد
۹۵	در زندان و هنگام آزادی	ترجمه رضا آذر رعشی - س. ا. پستولنگ
۹۶	دنیای رهبر ستاره قطب	سید مصطفی زمانی
۹۷	در رهگذر آبادانی، خاکستری، اسپاه	حمید میندقی
۹۸	در کنگره صلح پاریس	-
۹۹	در میان گودال	ترجمه کاظم انصاری
۱۰۰	در باره رابطه میان معرفت و عمل	ماتریده خرننگ
۱۰۱	دور از زمین	قاسمی
۱۰۲	دیالکتیک طبیعت و تاریخ	-
۱۰۳	راجع به جنگ سپهری	استالین
۱۰۴	رهائی از جامعه ترولند ان	شهرسرت مارکوس ترجمه مصطفی عقیدی
۱۰۵	رساله حل اختلاف	صیخ محمد مروغ کردستانی
۱۰۶	زنگین کمان	واند اواسیلوسگابان
۱۰۷	زبان شناسی در پارکسسیم	ای - استالین
۱۰۸	زندانیان	(مکتبیم گورکن) سید رضا حسینی

irdc • ir

سند شماره ۵:

نامه کانون نویسندگان ایران



IRDC\_IR

۰۰۴۰۶۱۱۴


-۲-

می فرماید: «هرگز آزاد است اند پشمان را که معا بر حیات ملت ایران نیست بهمان کنند».

اما روشن نیست که این مطالب را به عنوان یک واقعه یا قیامت اظهار داشته‌اند یا به معنی هرکس امروزه در ایران بالفعل چنین آزاد را در - یا به عنوان یک صلحت اند پش اعلام نمود یا پسند - یعنی هرکس با بد این آزاد را داشته باشد آنچه عیان است این که امروزه فرض اولی خلاف واقع است به همین سبب آنها «کنندگان این نامه صمیمانه علاقه مندند که بداند چنانچه با بد پش را رئیس دولت در جهت تحقیق بخشیدن آن صلحت عام و تاسین آزاد یبیا آنچه اقدام و فکری فرموده‌اند. اما قید معا بر نبودن اند پشه با حیات ملت ایران اینست اولی را به میان میکشد که معا بر معا بر است داشتن یا ند داشتن چیست و مرجع قضاوت در این باره چیست؟ آنچه به همین عنوان گفت اینست که در این قضیه دستگاه اجرائی در اصل مرجع صالح نیست. تمام مصافی که معمولاً خاصه در دوران دولت چنانچه برای گریز از مسئولیت و فرار از مسئولیت از همین راهگذاشت که مقامات اجرائی خود را مرجع کل حاکمیتی شمارند و صاحبان افکار پیش از آنکه به نشر عقاید و آرای خویش بپردازند در میان تبهت‌ها هستند و بی آنکه نمونه نشر اند پشه خود اقدام کنند عرصه را به خود سخت تنگ می‌کنند. حاصل آن همین فقره و روشنگری فکری کنونی است.

آقای نخست وزیر . . . گذشته بجا می‌خورد اگر امروزه سیاست دولت چنانچه با بد این انتضای بازگشت در جهت محترم شدن آزاد یانده پشه و بیان در ارد انتظار است که از شما هرود است که در این تغییر مصمم باشید. شما در سخنرانی‌تان می‌فرمودید: «آیا مقام اداری یک یا چند نفر به آنها اجازه میدهند که جلوی خلافت، شری را بگیرند؟» این بد این معنی است که در کنار سازمان و پیکر تصدیقاتی که برای اصل نظم سرود گناه برگردن برخی مقامات اداری است که از حدود قانونی پا فراتر نهاده‌اند. اما اینست که نداند که مقامات اداری سازمان سرود ستود و است شما و سیاست شما را بکار بستند؟ باز اینست اولی از خود شماست: «این گروه چه تخصصی دارد که اند پشه بگفتند و درست یا نادرست بخوانند؟» در این باره به گفته خودتان قضاوت با مردم است. پس به مردم باید مجال قضاوت داد، از آنکه قضاوت مردم خود محک سنجش درستی و نادرستی اند پشه است. حال اگر مقامات اداری رعایت قواعد موضوعه و حفظ حقوق افسران را ننمایند و به صرف اینکه میتوانند سخنرا افکار گردند یا بجا نکنند، انکار را به زندان بکنند در بکار بستن قدرت هیچ حدی نشناختند. این حالت تنها تجاوز به حقوق اجتماعی و سروری با پایمال کردن اند پشه است. بلکه تجاوز مستقیم قدرت اجرائی به حوزه قوه قضائیه است و این مصافی اصل تکلیف قرائی است که نه مطلق میباشد. اصلی که انون اساسی ما بر آن بنیان نهاده شده است و امید آنکه تجاوز قدرتی سیاسی از حد متعادل همچون قدرت ناسیونال همیشه سلامت حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد.

در چارچوب آزاد هائی که همه مردم ایران بهیچ پشند اوری و حصر و استثناء با بدی از آن برخوردارند. آزاد یانده پش فکری و هنری آزاد یانده پشه و بیان برای اصل نظم اهمیت اولی در ارد نیستند و باید آزاد یانده پشه و آزاد یانده پشه و در برابر بدی بیس مانع و رادع با مردم که مخاطب او هستند بشکند و با روبر شود تا برضای فرهنگ و هنر جامعه بهتر یانده پشه در این جهت معدود پشانی که تا به امروزه در عنوان بوده دست در مقام در این زمینه معمول بوده و هستند و هرگونه معیذ را بر جاپ و انتشار مطبوعات باید رفتن کرد و بساط سازمان سروری ضرورتی برچید

  
www.irdc.ir

